

بر علیه آپارتاید جنسی در ایران

حمید تقوایی

معنی صریح و دقیق کلمه این حکومت، حکومت آپارتاید جنسی است.

بی حجاب: آیا آپارتاید جنسی به معنی جداسازی زن و مرد است؟ کلا این آپارتاید در جامعه چه ابعادی دارد و تا چه حد بر زندگی مردم (اعم از زن و مرد) تاثیر می گذارد؟

حمید تقوایی: ببینید جداسازی يك بخش از قضیه است. مساله این نیست که جداسازی میشود به این معنی که پنجاه پنجاه امکانات جامعه تقسیم میشود و یا قوانین در حق هر دو رعایت میشود. زن و مرد را جدا میکنند نه بعنوان دو بخش برابر، بلکه بعنوان تقسیم جامعه به يك بخش برتر و يك بخش فرودست و درجه دوم.

در رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی سیاهپوست اصلا انسان محسوب نمیشد. سیاهپوست از بسیاری از حقوق محروم بود. جامعه سفید پوست تعریف شده بود و سیاهپوست در واقع به عنوان يك شهروند درجه چندم محسوب میشد.

در جمهوری اسلامی هم همین حالت هست منتهی نسبت به زنان. جامعه را مردانه تعریف میکنند، انسان و عضو جامعه مرد محسوب میشود، و زن تابع مرد و نیسی از مرد تعریف میشود.

يك شاخص و سمبل این آپارتاید حجاب است. حجاب فقط يك لباس و یا يك پوشش نیست بلکه يك دیواری است که زن را حتی بعنوان فرد از محیط پیرامون خودش جدا

بی حجاب: ۸ مارس در راه است و امسال حزب کمونیست کارگری با شعار نه به آپارتاید جنسی و تلاش برای منزوی کردن جمهوری اسلامی بعنوان رژیم آپارتاید جنسی به استقبال ۸ مارس می رود؟ چرا آپارتاید جنسی؟ و چه چیزی جمهوری اسلامی را رژیم آپارتاید جنسی می کند؟

حمید تقوایی: به نظر من این را تمام مردم ایران و بخصوص زنان در ایران کاملا حس میکنند و کاملا برایشان روشن است که منظور ما از آپارتاید جنسی چی هست.

ببینید در حق زنان تقریبا در همه دنیا ستم میشود و تبعیض هست، زنان همه جا افراد و شهروندان درجه دوم محسوب میشوند. ولی در ایران، جمهوری اسلامی بطور ویژه ای علیه زن هست و در واقع این يك حکومت زن ستیز است. اگر صرفا بگوئیم که در ایران زنها از حقوق خودشان برخوردار نیستند این هنوز حق مطلب را ادا نمی کند. این حکومت رسما و قانونا يك حکومت ضد زن است.

حکومتی است که در قوانینش زن را با مرد مساوی نمیداند و نه تنها این بلکه در زندگی اجتماعی، در اجتماعات و فعالیتهای جمعی و حتی در مهمانیها و مجالس خصوصی افراد زن و مرد را از هم جدا میکنند. در اتوبوسها، در کلاسهای درس، در میادین ورزشی، در استخرها، در پارکها و معابر عمومی، در کنار دریا و تفریحگاهها، در مجلس عزا و عروسی و کلا در زندگی اجتماعی زن و مرد طبق قانون و از نقطه نظر دولت نباید کنار هم باشند. به همین خاطر به

ما موظفیم صدای اعتراض زنان در ایران را به گوش جهانیان برسانیم

میزگرد بی حجاب در مورد ۸ مارس

و حتی برای اینکه نرمها و سلاطین خود را به مردم تحمیل کند نیروهای سرکوب در محیط کار و کوچه و بازار گذاشته است.

این رژیم طی این مدت نه تنها نتوانسته است که وضعیت اقتصادی مردم را سرسامان بدهد بلکه همه را به بن بست اقتصادی کشانده و هر روز سفره مردم را خالی تر میکند. همزمان شادی را از مردم گرفته و حق انتخاب و زندگی کردن را از تمامی شهروندان سلب کرده است. این سیستم سیاسی در اصل و ماهیت يك آپارتاید جنسی است. این بدین معنی است که نیسی از شهروندان را بخاطر جنسیتشان طبق قوانین شرعی و مدنی مشخص و واضح از حقوق کمتر برخوردار میکنند. غیر از وضعیت دشوار و غیر قابل تحملی که برای همه شهروندان درست کرده که من بطور جزئی به آن اشاره کردم در این مدت برای زنان که نیسی از جمعیت ایران هستند يك جهنم بتمام معنی ساخته است.

این رژیم بطور مشخص و بیشرمانه به زنان میگوید که شما کمتر از بقیه هستید و از طریق ارگانهای مربوطه خود آنها را تشویق و وادار میکند که هر چه بیشتر نامرئی تر شوند



مهین علیپور

بی حجاب: چرا امسال مبارزه علیه آپارتاید جنسی در ایران در صدر فعالیتهای ویژه ۸ مارس قرار گرفته است؟

مهین علیپور: حدود سی سال است که يك رژیم اسلامی در ایران حکومت میکند که در حله اول بطور کلی حتی حق و حقوق ابتدائی و طبیعی تمامی انسانها را بدون توجه به جنسیتشان از آنها سلب کرده و دخالت مستقیم و بیشرمانه خود را چه بصورت قوانین عرفی و مدنی در زندگی و سلاطین مردم دارد. این رژیم به این نوع دخالت و کنترل در زندگی خصوصی مردم افتخار کرده

- * آزادی زن با سوسیالیسم ممکن است
- * صدای انتقاد، زنانه است!
- * نگاه پلید مذهب را بر زندگی ام
- * تبعیض جنسی چیست؟
- و اطلاعیه ها و مطالب دیگر

زنده باد آزادی، زنده باد برابری

بر علیه آپارتاید جنسی در ایران

عرصه ای هست که ما در يك مقیاس جهانی دنبال میکنیم و امیدواریم بتوانیم هر چه بیشتر سازمانهای مدافع حقوق زن سازمانهای مترقی و انساندوست و مدافعین حقوق بشر و اتحادیه های کارگری و غیره را متوجه این مساله کنیم، از آنها بخواهیم که حکومت اسلامی را محکوم کنند و همچنین دولتها را تحت فشار بگذارند، سازمانهای بین المللی را تحت فشار بگذارند، و از آنها بخواهند که حکومت اسلامی را محکوم کنند و روابط خود را با آن قطع کنند.

بی حجاب: رئیس فعالیت برای شناساندن جمهوری اسلامی بعنوان رژیم آپارتاید در سطح بین المللی و منزوی کردن آن در سطح جهانی از نظر شما کدام است؟

حمید تقوایی: همانطور که گفتم وقتی محور را مقابل با حکومت بعنوان يك رژیم آپارتاید جنسی قرار بدهیم آن موقع يك خواست اصلی ۸ مارس امسال در ایران و در خارج کشور باید لغو آپارتاید جنسی و محکوم کردن آپارتاید جنسی باشد. این باید یکی از شعارهای اساسی باشد. از نظر عملی يك قدم مهم و تعیین کننده در این راه کنار گذاشتن حجابهاست. کنار گذاشتن و یا به اصطلاح برگرفتن حجابها در روز هشت مارس به مدت محدودی و بعنوان يك اقدام اعتراضی کاملا امکان پذیر است.

در سطح خارج کشور همانطور که گفتم ما تمام تلاشمان را میکنیم که تا با انتشار اطلاعاتیه ها و طومارها و پتیشن ها از جانب سازمانهای مدافع حقوق زن، اتحادیه های کارگری و نیروهای مترقی و غیره جمهوری اسلامی بعنوان يك حکومت آپارتاید جنسی محکوم شود. ما سعی میکنیم موارد و مصادیق این آپارتاید را در مقابل چشم جهانیان قرار بدهیم و نشان بدهیم که چرا این حکومت دست کمی از حکومت نژادی در آفریقای جنوبی ندارد و چطور پنجاه درصد جامعه را رسماً و علناً و قانوناً انسان به حساب نمی آورد. این را باید به جهانیان نشان داد و اساس فعالیت ما این هست.

این را هم بگویم که هشت مارس تنها یکی از مناسبتها و فرصتها برای طرد جهانی حکومت اسلامی است. منزوی کردن جمهوری اسلامی فقط يك کمپین موردی نیست، يك سیاست اساسی حزب ما است که ما پیگیرانه دنبال میکنیم. امیدوارم در ۸ مارس بتوانیم بیش از پیش و هر چه گسترده تر ماهیت کریه و ضد انسانی حکومت اسلامی را به جهانیان بشناسانیم.

نکته دیگری که مورد تاکید ما هست و این هم سیاست جدیدی نیست این هست که ما تلاش میکنیم و مبارزه میکنیم که جمهوری اسلامی بعنوان يك رژیم آپارتاید جنسی در دنیا طرد و منزوی شود.

آپارتاید جنسی بطور نسبتاً جامعی اعمال بیحقوقی به زنان را بیان میکند و ماهیت زن ستیز این حکومت را به جهانیان معرفی میکند. بویژه باید توجه داشت که رژیم مثل رژیم آفریقای جنوبی در خاطرها هست، مردم ماهیت ارتجاعی آنرا میشناسند و این سابقه ذهنی در افکار عمومی دنیا وجود دارد. یکی از دلایلی که بالاخره رژیم نژاد پرست آفریقای جنوبی شکست خورد و کنار زده شد این بود که مردم مترقی و آزادیخواه جهان بر علیه اش بلند شدند و حتی دولتها را ناگزیر کردند که آن رژیم را تحریم کنند و روابطشان را با آن قطع کنند و در نهایت در اثر يك آگاهی و بیداری و بسیج جهانی بود که رژیم آفریقای جنوبی شکست خورد و کنار زده شد. این سابقه به ما کمک میکند که بر همان ترتیب و بهمان قیاس مردم جهان را فراخوانیم که بسیج شوند و صدای اعتراضشان را علیه جمهوری اسلامی بلند کنند. این رژیم هم از نظر ضدیت با انسان و انسانیت دست کمی از رژیم نژاد پرست آفریقای جنوبی ندارد. این یکی از دلایلی هست که ما فکر میکنیم باید بر مبارزه علیه آپارتاید جنسی متمرکز شد و حکومت را



بعنوان حکومت آپارتاید جنسی افشا کرد. در مبارزه مستقیم زنان ایران علیه جمهوری اسلامی طبعاً حجاب همچنان نقش محوری را دارد و این تاکید ما بر افشاگری و مقابله با این حکومت بعنوان حکومت آپارتاید جنسی اتفاقاً باید عزم ما را جزم تر کند برای اینکه علیه حجاب بمیدان بیاوریم و زنان عملاً در خود روز هشت مارس و بعنوان يك اقدام سمبلیک حجابها را کنار بگذارند. این فراخوان ما همچنان سر جای خودش هست. لغو آپارتاید جنسی و محکوم کردن این حکومت بعنوان حکومت آپارتاید جنسی يك

بی حجاب: چرا اهمیت دارد که جمهوری اسلامی را بعنوان رژیم آپارتاید جنسی به دنیا شناساند؟ جمهوری اسلامی، رژیم تحمیل حجاب و دهها بی حقوقی دیگر به زنان هم هست. چرا از میان همه اینها بر رژیم آپارتاید جنسی تاکید میکنید؟ آیا حجاب یا برخی دیگر از بیحقوقیهای زن فراگیر تر از آپارتاید جنسی نیست؟ تاکید بر آپارتاید جنسی، مبارزه مردم با حجاب را که هرروز در خیابانها و در ابعاد بسیار گسترده ای جریان دارد کم رنگ نمیکند؟

حمید تقوایی: این دو از هم جدا نیست و همانطور که گفتم حجاب يك مظهر و سمبل آپارتاید جنسی است. آپارتاید در سطح فردی است. زن حتی به عنوان يك فرد باید با دیواری خودش را از جامعه جدا کند. کار کرد حجاب این هست. بنا براین وقتی ما تاکید میکنیم بر لغو آپارتاید جنسی منظور این نیست که يك سیاست دیگری و یا يك شعار دیگری را دنبال میکنیم. يك شکل مشخص و کاملاً بارز آپارتاید جنسی حجاب هست و شعار برگرفتن حجابها و کنار گذاشتن حجابها امسال هم مورد تاکید ما است. این يك عرصه ای هست که زنان بطور فردی میتوانند دست به عمل بزنند و عملاً دیوار آپارتاید را درهم بشکنند و بر علیه آپارتاید جنسی بایستند. اما به این نکته هم باید توجه کرد که اگر

میکند. چرا اینطور است؟ چون از نظر اسلام و حکومت اسلامی زن يك کالای جنسی محسوب میشود. يك کالای جنسی که در اخلاقیات اسلامی و در ارتجاع مذهبی موجب گمراهی شناخته میشود. زن يك کالائی است که تا وقتی ازدواج نکرده متعلق به پدر و برادر و مردان خانواده است و بعد از ازدواج متعلق به شوهر است و شوهر حق انحصاری استفاده از این کالا را دارد. حجاب فلسفه اش همین است. یعنی زن را ابتدا کالای جنسی معرفی کردن و بعد او را در يك بسته بندی سیاهی پیچیدن برای اینکه بقول خودشان چشم نامحرم به آن نیفتد. بری اینکه این کالا فقط متعلق به کسی باشد که شرعاً حق استفاده انحصاری آنرا دارد.

به نظر من حجاب بطور خیلی روشن و واضحی نشان میدهد که منظور از آپارتاید جنسی چی هست. این حتی بسیار شنیع تر و ضد انسانی تر از وضعیتی است که در رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی وجود داشت. چون آنجا اقلاً سیاهپوستان را باعث گمراهی سفید پوستان نمیدانستند و سیاهپوستان به عنوان يك فرد میتوانستند هر جوری که میخواهند لباس بپوشند و رنگ پوستشان باعث گمراهی سفید پوستان تلقی نمیشد! در جامعه ایران زنان حکم سیاهپوستانی را در رژیم نژاد پرست دارند که حتی از نظر فردی مجاز نیستند هویت خودشان را و چهره و موی خودشان را بعنوان يك زن آشکار کنند.

حجاب اعلام اینست که جامعه اسلامی مردانه است و وقتی از فعالیتهای اجتماعی و حضور اجتماعی صحبت میشود، وقتی از مقامات و مناصب صحبت میشود، وقتی از ورزش و تفریح صحبت میشود اینها همه متعلق به مرد است و زن به تبع مرد موجودیت پیدا میکند. از نظر اسلام و حکومت اسلامی شما بعنوان يك زن یا خواهر کسی هستید یا همسر کسی هستید یا دختر کسی هستید و در هر حال حقوق و مکان اجتماعی تان در رابطه با مردها تعریف میشود. و زن باید طوری زندگی کند که این جامعه مردانه به هم نریزد، و دچار گناه و معصیت نشود.

این به نظر من از تبعیض و اعمال بیحقوقی به زنان بسیار فراتر میرود. این صریحاً و علناً تحقیر زن است، توهین به زن و انکار هویت انسانی زن است. و به این اعتبار توهین و بیحرمتی نسبت به مرد و به کل جامعه نیز هست. بهمین خاطر من فکر میکنم آپارتاید جنسی بهتر و روشن تر از هر اصطلاح دیگری وضعیتی که زنان در ایران دارند و این تبعیض فاحش و اهانت آمیزی و تحقیر آمیزی که این حکومت در حق زنان روا میکند را بیان میکند.

فقط علیه حجاب متمرکز شوید و علیه حجاب صحبت کنید به نظر من مساله را در ابعاد گسترده ترش معرفی نکرده اید و مورد حمله قرار نده اید. درست است که حجاب یکی از بارزترین و شنیع ترین اشکال اعمال تبعیض به زنان و آپارتاید جنسی هست ولی آپارتاید در حجاب خلاصه نمیشود. همانطور که اشاره کردم جدائی زن و مرد در مدارس و دانشگاهها و مراکز تفریحی و ورزشی و حتی در مجالس مهمانی خصوصی تمام اینها از مصادیق مختلف آپارتاید جنسی است، اهانت به زن است و باید لغو شود.

ما موظفیم صدای اعتراض زنان در ایران را به گوش جهانیان برسانیم

میزگرد بی‌حجاب در مورد ۸ مارس

از صفحه ۱

آزادی و برابری علیه تبعیض با مقاومت و مبارزه توانستند در دنیا این روز را به اسم خود تثبیت کنند و امروز در کشورهای اسلام زده می‌خواهند زنان را به ۱۴۰۰ سال پیش برگردانند میتوان فاجعه را تصور کرد مبارزه زنان بر علیه این قوانین زن ستیز در ابعاد بسیار وسیعی جریان است بخصوص امسال در آستانه صدمین سال ۸ مارس باید پرشورتر سرخ تر و کارسازتر باشد تا بتواند در ادامه ۱۶ آذر امسال و مکمل آن يك مبارزه سرنوشت ساز را رقم بزند

این روز را در ایران باید بر علیه آپارتاید علنی و رسمی حکومت اسلامی و قوانین ضد زن و ضد بشري آنان تبدیل کرد در این روز زنان میتوانند بر علیه رنگ سیاه ارتجاع و حجاب سیاه و اجباری از شال قرمز استفاده کنند. تصور کنید اگر همه زنان در ۸ مارس از شال و یا روسری قرمز استفاده کنند و در هر چند دقیقه شالها را در هوا پرتاب کنند و یا بچرخانند چه صحنه هلی زیبایی بوجود خواهد آمد و کسی را نمیتوانند به جرم داشتن شال قرمز دستگیر کنند و شعارهای آپارتاید جنسی ممنوع، زنده باید آزادی و برابری، زنده باد صدمین سال ۸ مارس روز جهانی زن میتوانند شعارهای محوری باشند

چیزی که خیلی مهم است اینکه هر چه زودتر باید پیامها داده شود مثلا با شعار به استقبال صدمین سال ۸ مارس میرویم و پیام ها را اگر برای ما بفرستند بلافاصله ما در سطح وسیعی انتشار خواهیم داد و از طریق تلویزیون و نشریه به اطلاع همه خواهیم رساند ۸ مارس امسال ۸ مارس سرخ میباشد.

با آرزوی مراسمهایی با شکوه در ایران

امضا شخصتهای سرشناس بین المللی خواهیم رساند و در لندن و استکهلم و برلین کنفرانسهایی را سازمان میدهیم و در کانادا و هلند و سوئیس و فرانسه و همه کشورها مجموعه فعالیتهایی را در دستور داریم که بزودی به اطلاع عموم خواهیم رساند.



مینا احدی

بی حجاب: در سطح بین المللی چه اقداماتی برای به انزوا کشاندن جمهوری اسلامی بعنوان رژیم آپارتاید جنسی در دستور است و یا انجام گرفته است؟

مینا احدی: ما در سراسر جهان در نظر داریم که اولاً اخبار جنایات جمهوری اسلامی، ابعاد ستم جنسی بر زنان، ابعاد و اشکال آپارتاید جنسی در ایران را بیش از پیش افشا کنیم. موضوع مهم اینست که جنبش های اجتماعی مختلف، بر اساس منافع خود دست در واقعیت میبرند و اکنون در ایران، نهادها و سازمانهای غیر دولتی که حرفشان شنیده میشود، کمتر از آپارتاید جنسی و یا معضلاتی همچون حجاب، جداسازی، نداشتن حق طلاق و یا نداشتن حق روابط آزاد جنسی حرف میزنند. اینها تازه بعد از سی سال به سنگسار معترض شده اند و در نهایت از این حرف میزنند که نمیخواهند همسران آنها حق چند زنی داشته باشند. پس باید ما سازمانی که حکومت اسلامی را در کلیت خود قبول نداشته و برای زنان حقوقی برابر با مردان و آزادی و رفاه و برابری کامل را میخواهد، نقد و اعتراض خودمان را به این حکومت و قوانین و مقررات ارتجاعی آن در کلیت خود ابراز کنیم. این حرف دل میلیونها زن در ایران است و ما موظفیم صدای اعتراض زنان در کارخانه و مدرسه و دانشگاه، صدای اعتراض زنان از سیاهچالهای حکومت اسلامی، صدای نفرت و انزجار میلیونها زن علیه حجاب و علیه سنگسار و اعدام را به گوش جهانیان برسانیم. امسال هشت مارس ما با برگزاری مجموعه آکسیون و کنفرانس و سمینار و راهپیمایی و میزهای اطلاعاتی و دادن اطلاعیه های متعدد به زبانهای مختلف و سازمان دادن ملاقات و مذاکره با نهادهای بین المللی، این مهم را انجام خواهیم داد. جزئیات برنامه های ما بزودی به اطلاع عموم خواهد رسید. ما یک قطعنامه نوشته و به

و به گوشه خانه ها بخزند. این آپارتاید جنسی به زنان میگوید که خود را نباید نشان دهید و جسم شما و حضور شما در هر جایی برای مردان مشکل ساز و مغشوش کننده است. هیچ جای دنیا شما نمیتوانید سیستمی را پیدا کنید که به این صراحت تنفر خود را از جنس زن نشان بدهد. هیچ کجای دنیا نمیتوانید همچین تحفه ای را بیابید که به هر دری میزند که زنان را هر روز بیشتر منزوی کند. این سیستم همانطور که گفتم تمامی ارگانهای قضائی و پلیسی و جاسوسی خود را بکار میبرد که هر چه بیشتر زنان را بمانه کالا و تملک شخصی مرد در آورد. از تمام قدرت خود استفاده میکند که هر چه بیشتر زنان را بی اراده تر و ضعیفتر سازد. زنان را با شنیع ترین شیوه ها سرکوب و شکنجه و مجازات میکند. هیچ نوع احترامی برای زنان ندارد. بهر دلیلی زنان را دستگیر میکند و میتواند بصور مختلف مورد آزار روحی و فیزیکی قرار دهد.

از طرفی این رژیم پرچمدار این نوع آپارتاید جنسی در دنیا است و بطرق مختلف سعی میکند که این فرهنگ ضد زن و ضد انسانی خود را در دنیا گسترش دهد.

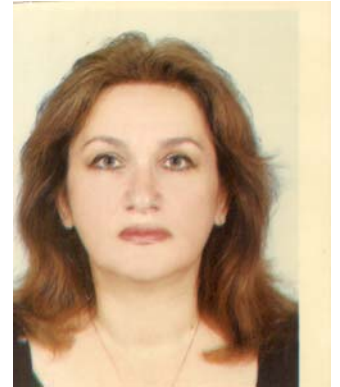
اما همیشه به عمق گور خود افزوده و امروزه ما شاهد این هستیم که بیش از نیمی از قبول شدگان دانشگاهها دختران هستند. امروزه ما شاهد این هستیم که يك مبارزه قوی و ضد مذهب و برابری طلب در تمامی اقشار جامعه رو به تکامل و پیشروی است. ما شاهد این هستیم که این مبارزه هر چه بیشتر خود را با مبارزات مردم عجیب کرده و میروند که قسمت تعیین کننده ای در این مبارزات سرنگونی طلب و ضد آپارتاید جنسی باشد.

بنابراین در هشت مارس امسال اگر میخواهیم صحبت از رهائی بدون قید و شرط زن کرده باشیم باید لزومات این امر را پاک شدن این نوع آپارتاید جنسی چه در ایران و چه در دنیا بدانیم.

از طرفی در دنیا این کمپین را با قدرت زیاد باید جلو برد که این هشت مارس فرصت خوبی است. کمپین لغو آپارتاید جنسی در ایران و محکومیت آن در خارج کشور به جهانیان فشار می آورد و میفهماند که چگونه تا کنون در برابر این آپارتاید جنسی که نیمی از شهروندان خود را بطور آشکار و قانونی از حقوق خود بی بهره میکند ساکت نشسته اید. بالا بردن این پلاتفرم و شعار در این روز بسیار بجاست و نمیتوان شعار دیگری پیدا کرد که از این برتر باشد و نشان دهنده راه حل درست برای رهائی زنان در ایران باشد.



آزادی زن با سوسیالیسم ممکن است



مریم جعفر زاده

مصاحبه فریده آرمان با مریم جعفر زاده فعال اجتماعی و سیاسی حقوق زنان در کشور آذربایجان پیاده و تنظیم متن از شادی بهار

مقدمه:

این مطلب از آنجا که به مقایسه شرایط و حقوق زنان قبل و بعد از تغییر سیستم اداری کشور آذربایجان و بعد از استقلال آذربایجان از اتحاد جماهیر شوروی می پردازد، اهمیت دارد. در کشور روسیه، انقلابی کمونیستی در سال 1917 انجام شد. می دانیم که تلاش کمونیستها و کارگران برای برقراری یک حکومت کمونیستی در کشور روسیه به اهداف خود نائل نشد ولی خواست انقلاب که برقراری یک جامعه سوسیالیستی و برابر و آزاد بود، چنان تکانی و زلزله ای در شوروی آن زمان ایجاد کرد که تمام پایه های سیستم نابرابر و متکی به سرمایه داری و بی حقوقی کامل انسانها در آن کشور را دگرگون کرد. زلزله ای که حتی انتهای امواج آن در اروپا به بهبود وضعیت کارگران و زنان منجر شد. بررسی تاریخ بسیاری از کشورهای اروپایی نشان میدهد که ترس بورژوازی از انتشار انقلاب سوسیالیستی و حق طلبی مردم، بعد از دیدن انقلابی به آن عظمت و با دستاوردهای عظیم برای ایجاد یک جامعه انسانی، چنان تاثیری در روند تغییر و بهبود وضعیت زنان و کارگران گذاشت که واقعا می توان صدها جلد کتاب در مورد آن خواند.

آذربایجان هم زیر پوشش چنین تحولی قرار گرفت. و فقط نسیم یک جامعه سوسیالیستی را تجربه کرد و در سال 1991 از اتحاد

جماهیر شوروی مستقل شد. حکومت دمکراتیک آذربایجان در این سال به قدرت رسید. از سال 1991 حزب حاکم شروع به تعرض به آخرین بقایای دست آوردهای این انقلاب سوسیالیستی کرد. من در این مصاحبه، فوکوسم را به وضعیت زنان در این کشور قرار داده ام.

لطفا خودتان را معرفی کنید؟

من مریم جعفر زاده فعال اجتماعی و سیاسی حقوق زنان در کشور آذربایجان شوروی، تهیه کننده و مجری برنامه تلویزیونی دنیای زنان دربار و هم چنین تهیه کننده برنامه گزارشها و تحلیل سیاسی در تلویزیون ANS Azarbaijan News Servis بودم. سردبیر و مؤسس روزنامه ای بودم به اسم Auro Asia که در مورد مسائل ترکیه و آذربایجان بود. همچنین سردبیر و تهیه کننده مجله ای بودم به اسم "خانم". در شهر باکو متولد شده و ۴۸ سال دارم. دو فرزند دختر و پسر دارم. از سال ۱۹۹۸ بطور رسمی در حیطه احقاق حقوق زنان فعالیت می کردم. شمه ای از اوضاع آذربایجان: دین رسمی در آذربایجان اسلام است. از سال ۱۹۹۱ از شوروی سابق جدا و مستقل شده است. حزب نوین آذربایجان در حکومت و قدرت است و حکومت، دمکراتیک است. سابقا یک حزب اسلامی هم وجود داشت که در سال ۱۹۹۵ رسماً ملغی شد این حزب از طرف دولت اسلامی ایران حمایت مالی و معنوی می شد و عملاً فعالیتشان بر علیه دولت بود به همین خاطر رسماً لغو شده و فقط از آنها اسمی باقی مانده است. در دوران شوروی سابق از سال ۱۹۲۰ کشور آذربایجان جزو یکی از کشورهای اتحاد جماهیر شوروی شد. دو اصل در این دوره مهم بود یکی از بین بردن مالکیت روی زمین و مالکیت خصوصی و تساوی حقوق بین زن و مرد.

لازم است که نکات مثبت سوسیالیسم را حتی اگر انتقاداتی داریم بگویم. یکی از محسنات این دوره این بود که آموزش و حق استفاده از تحصیل برای همه یکسان بود و با این که ما جزئی از اتحاد شوروی بودیم ولی فرهنگ، دین، تاریخ و ادبیات خودمان را داشتیم و آنها کاری به آن نداشتند. با توجه به اینکه در دورانی کشور آذربایجان فعلی بخشی از اتحاد جماهیر شوروی بود، در عین حال ما از آزادی و استقلال داخلی خودمان برخوردار

بودیم زنان، فرهنگ و هنر خودمان را داشتیم. من خودم را سوسیال دمکرات می دانم.

فکر می کنید وضعیت زنان از قبل از استقلال آذربایجان و بعد از آن چه فرقی کرده است؟

آنچه که در دوره قبل مهم بود این بود که همه از تحصیل رایگان برخوردار بودند و همه در کار و تولید اجتماعی شریک بودند. در زمان قبل زنان حقوق برابر قانونی و اجتماعی با مردان داشتند و میزان درآمد آنها کفاف زندگیشان را می داد. اما در این نظام فعلی و کنونی زنان حمایت مالی ندارند و بیست درصد از زنان جامعه فعلی آذربایجان مجبورند برای تأمین زندگیشان تن به هر کاری بدهند. در حال حاضر خانم هایی که از تحصیلات بالا و تخصصی برخوردار بودند مشغول به کار می باشند در رابطه با تحصیل، در حال حاضر درصد دختران و زنان تحصیل کرده از مردان بیشتر است. یکی از عوامل آن فشار آوردن خانواده به دختران برای کسب شرایط بهتر برای گرفتن کار در جامعه می باشد.

موقعیت حقوقی و قانونی زنان به چه صورت است؟

از نظر قانون اساسی کشور آذربایجان زنان با مردان یکسان هستند. شاید هم در بعضی موارد امتیازهای بیشتری به زنان داده شده است، اما در عمل اینطور نیست. به خاطر باز شدن فضای جامعه، سرمایه گذاری شرکتهای خارجی، زیاد شده است و همچنین سرمایه داران آذربایجانی شرکتهای بزرگی دایر کرده اند که آنها در مورد استخدام کارمندان زن جدول استخدامی خاصی دارند. مثلاً سن از ۳۵ سال نباید بیشتر باشد زنی که بالای ۳۰ سال داشته باشد به سختی می تواند کار پیدا کند. زیبایی ظاهری هم یکی از امتیازات در استخدام می باشد.

لطفا در رابطه با قوانینی که مربوط به حقوق زنان می باشد برایمان توضیحاتی بدهید؟

۱- قانون مردان را به رعایت حقوق زنان موظف می کند. مثلاً اگر مردی زنی را تحت فشار روحی و فیزیکی قرار دهد این

شخص مجازات می شود.
۲- ازدواج طبق موازین قانونی ثبت می شود و نه مذهبی.

۳- زوجی که بخواهند طلاق بگیرند اگر صاحب یک فرزند باشند بیست و پنج درصد و اگر دو فرزند داشته باشند پنجاه درصد اموال مرد به زن می رسد.

۴- در مورد سرپرستی بچه ها، قانوناً بچه به مادر تعلق می گیرد. از نظر حقوق اجتماعی، به مادرانی که از فرزندشان مراقبت می کنند کمک هزینه دولتی داده میشود. مرد موظف است که برای کمک هزینه نگهداری از بچه سهمی را به عهده بگیرد ولی در صورت مشکلات مالی مرد این هزینه را دولت تقبل می کند. البته این مربوط به دوران قبل است و الان این امتیازات را خیلی تقلیل داده اند. به مادران تنها بابت هر بچه پولی معادل ده دلار می دهند. به خانواده های کم درآمد بابت هر بچه پنج دلار داده می شود.

کمی در رابطه با سطح استاندارد زندگی در آذربایجان برایمان بگویید؟

حقوق متوسط بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ دلار در ماه است. مثلاً حقوق یک کارمند در حدود ۱۱۰ دلار می باشد.

در رابطه با اجاره خانه شرایط به مراتب از سابق بسیار سخت تر شده است. در باکو اجاره یک اتاق در حدود ۲۰۰ دلار در ماه است که تا ۱۰۰۰ دلار هم می تواند افزایش پیدا کند. در شهرستانها تا ۵۰ دلار می توان یک اتاق را اجاره کرد. دولت کمک هزینه

صفحه ۵



نه به حجاب، نه به آپارتاید جنسی

۸ مارس روز جهانی زن، متعلق به تمامی انسانهای آزادیخواه و برابری طلب است چرا این روز جهانی اهمیت دارد؟

آن دچار شده ام بلکه بخاطر رهائی تمام انسانها بخصوص رهائی زنان مبارزه می کنم .
روز جهانی زن يك روز مهم برای تمامی زنان جهان است. روزی است بر علیه قرنهای بی عدالتی تحمیل شده. باید در این روز برای کسب حق و حقوقی که قرنهای پامال شده است، به میدان بیاییم.

به امید روزی که این نابرابری ها و بی عدالتی ها برای همیشه از بین برود.



وتو هیمن وسنگسار را کشیده اند. آنها همدردان وخواهران من هستند. چقدر درد ناک است تحمل اینهمه نابرابری و بی عدالتی. وجود من وخیلی از زنان دیگر گواهی است بر وجود جهنم و زندانی بزرگ به اسم جمهوری اسلامی .
آری من از جانی گریخته ام که می دانم زنانی مثل من چطور زندگی می کنند. چطور مورد ضرب و شتم شریک زندگیشان قرار میگیرند. چطور خواستها و نظراتشان زیر پا گذاشته می شود. چگونه در دادگاههای جمهوری اسلامی با آنها برخورد می شود. چگونه حق نگهداری فرزند را از آنها میگیرند. و چگونه تمام قوانین اسلامی بر علیه ما بعنوان زن، همسر و مادر عمل میکند. چرا به عنوان يك زن نمی توانی همسر آینده ات را خودت انتخاب کنی. چرا نمی توانی در انتخاب رابطه هایت آزاد باشی. چرا باید به زندان و سنگسار محکوم شوی. و هزاران چراهای دیگر.

این است چهره ضد زن جمهوری اسلامی. آیا می شود با تمام فاکتهائی که آوردیم در این کشور نا امن زندگی کرد. من مخالف حکومت مذهبی ضد انسانی جمهوری اسلامی هستم و تا جایی که توان داشته باشم بر علیه این رژیم مبارزه می کنم نه تنها به خاطر تمام مصیبتهایی که در این حکومت به

زندگی می کند و باید از حق و حقوق مساوی برخوردار باشد، نباید و نتواند برای زندگی شخصی خود تصمیم گیرنده باشد.

من این شرایط بی عدالتی را خوب می شناسم. در واقع با تمام وجود آنرا لمس و درک می کنم و می دانم زنانی که در کشور من زندگی می کنند تحت چه فشار و بی عدالتی هستند. من يك نمونه از میلیونها زن ایرانی هستم که تحت ستم جمهوری اسلامی و قوانین ضد بشری و ضد انسانی آن قرار گرفته ام . من زندگی جدید خانوادگی را با هزار امید و آرزو و تلاش برای داشتن يك كانون گرم خانوادگی شروع کردم. اما تمام امید و آرزوهایم در بی حقوقی و بی انصافی دادگاه خانوادگی پامال واز بین رفت. دادگاهی که کاملاً تحت تاثیر وناشی از قوانین جاری سیستم حاکم بر جامعه است قوانینی که هیچ حق و حقوقی برای زنان به عنوان شهروندان جامعه قائل نیست. تمامی حق و حقوق واحساسات من تحت فشار شریک زندگی ام وقوانین ضد انسانی و ضد زن جمهوری اسلامی لگد مال شد. تنها فرزند عزیزم را نه تنها از من گرفتند بلکه حتی مرا از دیدارم محروم کردند. من با تمام وجودم درد تمامی زنانی را احساس می کنم که تحت اینگونه بی عدالتی ها قرار می گیرند . زنانی که داغ زندان، شکنجه، تحقیر



نسرین آریس

برای اینکه خیل عظیمی از زنها که نیمی از جمعیت دنیا را تشکیل می دهند در بسیاری از کشورها در شرایط نابرابری و ناعادلانه ای بسر می برند. در کشورهایی مانند جمهوری اسلامی ایران، افغانستان وپاکستان و بسیاری از کشورهای دیگر زنان حق انتخاب و تصمیم گیری در زندگیشان را ندارند. در واقع زنان هیچ حق و حقوقی در جامعه و محیط خانواده ندارند.

این روز، روزی است که باید با هم يك دل و متحد شویم و اعتراضمان را بر علیه این بی عدالتی و بی حقوقی فریاد بزنیم. سؤال این است چرا يك زن بعنوان انسانی که در جامعه

آزادی زن با سوسیالیسم ممکن است

از صفحه ۴

آیا در آذربایجان سازمانهای مدافع زنان وجود دارند؟

سازمانهای قانونی زنان زیاد است ولی اکتیو و فعال نیستند. این سازمانها فقط در چارچوب قانون می توانند فعالیت کنند. فعالیت غیر قانونی مخالف سیستم وجود دارد به این معنا که جریاناتی از زنان فعال هستند که جزو گروه های پوزیسیون دولت و مخفی هستند و زیر ضرب می باشند .

من چون خودم از فعالین حقوق زن بودم اگر درونما و افقی برای بهبود حقوق پامال شده زنان می دیدم آنها را ترك نمی کردم . من به سوسیالیسم سابق گرایش دارم و آن را نظام مناسبتری برای مردم می بینم. احساس و تجربه من این را به من می گوید که سوسیالیسم سیستم خوبی بود. من ترجیح می دهم که يك جامعه سالم سوسیالیستی داشته باشم .

ترس از دست دادن کار زنان بلافاصله ۲ ماه بعد از زایمان به سر کار برمی گردند . ضمناً خدمات درمانی در سیستم جدید بسیار گران است و خدمات و امتیازاتی که در سابق در اختیار زنان باردار بود اکنون وجود ندارد . سقط جنین قانونی است ولی ارزان نیست .

خشونت نسبت به زنان چگونه است؟

متأسفانه فرهنگ مرد سالاری حاکم است. زن و مردی که خارج از خانه کار می کنند قاعدتاً باید در کارهای منزل با هم مشارکت داشته باشند ولی متأسفانه اینطور نیست. زنان در خانه باید به مرد سرویس بدهند حتی اگر مرد بیکار باشد . ولی به خاطر رشد سرمایه داری و شرکت فعال زن در اقتصاد خانواده قدرت تصمیم گیری زنان بیشتر شده است .

در حال حاضر بیکاری خیلی زیاد است. شصت درصد جامعه بیکار است و کارهای سیاه و غیر تولیدی وجود دارند. حدوداً نصف این جمعیت زنان هستند که در گرفتن کار مورد تبعیض شدید قرار می گیرند. مثلاً يك فرد از 17 یا 18 سالگی شروع به کار می کند تا هر سنی که بخواهد. ولی زنانی که سنشان از 30 یا 35 به بالا است شانس کمتری برای کار دارند حتی اگر دارای تحصیلات عالی باشند. زنانی که از ابتدا شاغل بودند در کارشان باقی می مانند ولی زنانی که به خاطر بچه داری و خانه داری از کار فاصله بگیرند شانس برای گرفتن کار ندارند. مرخصی برای زایمان و نگهداری از بچه در حدود دو سال است . زنان باردار از ماه هفتم بارداری تا ۲ ماه بعد از زایمان مرخصی با حقوق دارند ولی بعد از ماه دوم زایمان تا بازگشت به کار از مرخصی بدون حقوق می توانند استفاده کنند . سا بقاً به این منوال بود ولی در شرایط جدید به علت

مسکن نمی دهد ولی به کسانی که درس می خوانند حدود ۱۰ دلار کمک هزینه تحصیلی پرداخت می شود . به خانواده های بچه دار کم درآمد بابت هر بچه ماهانه ۵۰ دلار داده می شود و به خانواده های بیکار و بی درآمد در حدود صد پنجاه دلار پرداخت می شود . این مبلغ بدون در نظر گرفتن تعداد بچه است و این مبلغ به واحد خانواده داده می شود. تا سال 2002 کمک هزینه فرزند برای تمام خانواده ها وجود داشت. ولی اکنون کسی که برای طلاق پیش قدم می شود باید مخارج هزینه طلاق را که حدوداً صد دلار می باشد به دولت پرداخت کند. در قانون رسمی و دولتی مهریه وجود ندارد ولی چون سنتی است که از اسلام در فرهنگ مردم بجای مانده است اگر کسی بخواهد می تواند با مراجعه به آخوندی با دادن رشوه که به آن پول شیرینی می گویند این کار را انجام دهد .

چه تعداد از زنان کار ودر تولید شرکت دارند؟

صدای انتقاد، زبانه است!

از مجله اروپایی Cafebabel

۱۶ ژانویه ۲۰۰۸

توسط مسلمانان افراطی تهدید به مرگ شده، مجبور به انصراف از کار شده، مجبور به ترک کشورشان شده، آیان هیرسی علی، نجلا کله ک، سیران آتیش و مینا احدی، انتقاد خود به اسلام را به بهایی گراف پرداخته اند. با همه احترامی که به فعالیتهای این افراد قایلیم، انتقاداتی نیز به نحوه پلمیک کردن و همچنین کلی و همگانی کردن انتقاداتشان وارد است، که به آنها باید پرداخت.

در مباحثات جاری در مورد اسلام، در صف اول منتقدین، زنانی همچون آیان هیرسی علی، نجلا کله ک، سیران آتیش و مینا احدی ایستاده اند، که با انتقادات و مباحثات بحث بر انگیز خود، فضای این مباحثات را تعیین میکنند. انتقاد تند آنها از موقعیت زنان در اسلام و معضلات اجتماعی همچون قتل ناموسی، ازدواج اجباری و ختنه زنان، توجه های زیادی را به آنها جلب کرده است. خود این افراد تحت فشار اسلامپها و معضلات این مذهب بوده و بتدریج با نقد این مذهب و سپس فاصله گرفتن و در نهایت جدایی کامل از آن به صدای اعتراض همه کسانی تبدیل شده اند که اسلام را قبول ندارند و در آن یک مذهب خشن و ضد انسانی می بینند.

با وجود اینکه آنها از کشورهای مختلف و از فرهنگهای مختلف می آیند، تجارب آنها بدلیل تحت ستم بودن زنان در مذهب اسلام مشترک است. در دوران کودکی و جوانی اینها اسلام را بعنوان مذهبی که از طرف خانواده و جامعه در دفاع از قتل ناموسی، ازدواج اجباری و ختنه زنان مورد استفاده قرار میگیرد تجربه کرده اند. این تجارب آنها را روز به روز از اسلام دور کرده و در نهایت نه تنها اینها را به جدا شدن از خانواده و فامیل، حتی به فاصله گرفتن از فرهنگی که در آن رشد کرده اند، کشانده است.

بیگانه شدن آرام از کشوری که آمده اند!

آیان هیرسی علی در سال ۱۹۶۹ در سومالی در یک خانواده مذهبی متولد شد. بدلیل

اینکه پدر او بعنوان یک مخالف حکومتی سالهای زیادی را در زندان و یا در خارج از کشور زندگی کرده، تربیت او به عهده مادر و مادر بزرگش بوده است. او را مانند بسیاری از دختران در این قسمت آفریقا ختنه کرده اند. خانواده محافظه کار و مذهبی او میخواستند از آیان یک زن تمکین کننده به مردان تربیت کنند. در مدرسه اسلامی که او درس خوانده، به او تبعیت سخت از اسلام و قرآن اسلامی تدریس می شده است. آنگونه که او بعدها در این مورد میگوید همه این درسها، از سوی او بدلیل خشونت بر علیه زنان زیر سوال قرار میگیرند. در سن ۲۲ سالگی وقتی او برای انجام یک ازدواج اجباری با پسر عمویش رهسپار کانادا بوده، در نیمه

روزمره چاپ میشود.

خشونت اجتماعی و سیاسی به اسم اسلام

سیران آتیش هم از ترکیه آمده است. او در ۱۹۶۳ در استانبول متولد شده و بعنوان دختر یک خانواده کارگری در اواخر دهه شصت به آلمان سفر میکند. سیران در کتابش در سال ۲۰۰۳ "سفر بزرگ به درون آتش" توضیح میدهد که چگونه در برلین، در محدودیت کامل بسر برده است. پدر و برادرانش از او میخواستند که به آنها تمکین کند. چون والدین او به زبان آلمانی تسلط نداشتند، او از همان آغاز رل رابط آنها با ادارات آلمانی را به



عهده میگیرد. با وجود دفاع و پشتیبانی ضعیف والدین، او پرکار درس خوانده و سپس در دانشگاه رشته حقوق را به پایان رسانده است. برخلاف آیان و نجلا کله ک او هیچگاه کاملاً از خانواده و زادگاه خود جدا نشده است.

مینا احدی از همه بیشتر و واضح تر، خشونت سیاسی و فرهنگی اسلامی را در زندگی‌اش بعنوان یک زن تجربه کرده است. مینا در سال ۱۹۵۶ در ایران متولد شده و همراه با همسرش فعال یک حزب کمونیستی بر علیه حکومت شاه بوده و بعد از روی کار آمدن حکومت اسلامی نیز، مبارزه آن دو بر علیه حکومت اسلامی متمرکز میشود. بدلیل فعالیتهای سیاسی اش از دانشگاه اخراج و مجبور به کار در یک کارخانه میشود. در سال

راه از یک توقف در آلمان استفاده کرده و به هلند پناهنده میشود و در آنجا پناهندگی پذیرفته میشود.

زندگی نجلا کله ک کمی کمتر دردناک است، در ۱۹۵۷ در استانبول متولد شده، ۱۱ ساله بوده که با والدین خود به آلمان آمده، بدلیل رفتار غلط با او و زنان در اسلام آنگونه که وی در کتابش "عروس بیگانه" در سال ۲۰۰۵ نوشته، از خانواده خود فاصله گرفته و به همت خود یک دوره آموزشی می بیند. بهمین دلیل از طرف پدرش طرد میشود. او در نهایت در رشته جامعه شناسی و اقتصاد در هامبورگ فارغ التحصیل شده و سپس در سال ۲۰۰۱ لیسانس خود را در مورد تاثیر اسلام در زندگی جوانان ترک می نویسد که این مطلب بعدها با نام، اسلام در زندگی

۱۹۸۰ وقتی همسرش دستگیر و به همراه چندین نفر از رفقای حزبی اش اعدام میشود، او به مبارزات زیر زمینی در کردستان ملحق میشود. ۱۹۹۰ بالاخره او مجبور به ترک ایران میشود. به وین رفته و بعدها به کلن آلمان میآید.

مبارزه شجاعانه در دفاع از برابری

چهار سرگذشت مختلف، که بالاخره همه این چهار نفر را به اعلام جدایی و فاصله گرفتن از اسلام وادار میکند. هر یک به نوع خود در کشور جدیدی که هستند، با شجاعت تمام علیه همه نوع ستم توجه شده توسط مذهب و برای برابری زن و مرد فعالیت میکنند. بهمین دلیل و در این راستا است که مینا احدی کمپین های متعددی را علیه اعدام، علیه سنگسار و علیه قتل ناموسی سازمان میدهد. او سازمانهای اسلامی را مردود اعلام کرده و میگوید اینها حق ندارند به اسم ما حرف بزنند. او در آوریل ۲۰۰۷ شورای مرکزی اکس مسلم را بنیان گذاشت. سازمانی که خود را نماینده همه کسانی میدانند که با وجود تولد اتفاقی در خانواده اسلامی، خود را مسلمان تعریف نمیکنند.

سیران آتیش در طول تحصیلات دانشگاهی در یک موسسه زنان کار میکرد، که به زنان و دختران تحت فشار خشونت خانوادگی کمک میکرد. وقتی در سال ۱۹۸۴ یک مرد با شلیک گلوله به یک زن، که به این سازمان فرار کرده بود، سیران هم شدیداً زخمی شد. او کاملاً به فعالیتهای خود ادامه داد و در سال ۱۹۹۷ بعنوان وکیل زنان ترک در دادگاهها حضور می یافت.

نجلا کله ک حرفه ای بعنوان مبارزه برای برابری زن و مرد پیدا کرده بود. با کتابش با نام "عروس بیگانه" در سال ۲۰۰۵ او در مورد ازدواجهای اجباری حرف زد. او در این کتاب تجارب شخصی خود در جریان نوشتن پایان نامه تحصیلی اش نوشته و بعد از آن در کتابهای متعددی انتقادات شدیدی از اسلام کرده است.

عکس العمل های خشن، بعد از مباحثات تند

صفحه ۷

نه به حجاب، نه به جداسازی جنسیتی

از هنگام تولد تا لحظه مرگ، نگاه پلید مذهب را بر زندگی ام احساس می‌کنم

مصاحبه نشریه بی‌حجاب با صبا زاهدی، یکی از زنان فعال از شیراز



بی‌حجاب: فکر میکنید مذهب و سنتهای عقب مانده بر زنان تاثیر گذاشته است؟

صبا زاهدی: تاثیر مذهب و سنتهای عقب مانده در کل جامعه و بخصوص بر زنان کاملاً محرز است. از اینکه نسل به نسل رنگ مذهب در زندگی انسانها کمرنگتر میشود، شکی نیست. مادر من زن بیسواد بود که به پوچی اوهام و خرافات مذهبی پی برده بود، اما جرات اشاعه آن را نداشت. من این ترس را ندارم و در این راه هر جمعی را به مبارزه می‌طلبم. حتما فرزندان من سوسیالیسم که تنها راه رهائی انسان است، را میسر و محقق خواهند کرد.

امروز تفاوت‌هایی به بزرگی تحولات علمی، تکنولوژیکی، ارتباطات، کامپیوتر و غیره دارند. بطور کلی نزدیکی انسانها و افکارشان بهم از راههای آسان و میسر علمی عملی شده است.

بی‌حجاب: بعضیها می‌گویند که مشکل اصلی زنان در آوردن نان و تامین اقتصادی

صفحه ۸

صبا زاهدی: مسلمان نسل گذشته با نسل

میزان این ستم در نقاط مختلف دنیا فرق میکند. در کشورهایی هم که قوانین بر حسب جنسیت نوشته نمیشوند، هم زن تحت ستم است، فقط کمتر از زن ایرانی یا افغانی که شاهد تش مورد قبول نیست (اشاره به قوانین اسلامی که شهادت زن مورد قبول نیست و یا در بعضی موارد شهادت دو زن برابر شهادت یک مرد است)

پس مهمترین مسائل امروز زنان در ایران، به عقیده من هر چه باشد حول محور چماق گونه مذهب میگردد. قبول دارم که جامعه زنان ایران در نتیجه نابرابریهایی که تحمل کرده و میکند به یک سری از آگاهیها و در نتیجه ایستادگی در مقابل زور رسیده است، اما اینکه زن خود نخواهد جنس دوم باشد و خود را یک انسان مستقل و نه موجودی کمتر یا بیشتر از مرد باور کند، مقوله دیگری است.

بی‌حجاب: مهمترین مسائل امروز زنان در ایران حول چیست؟

صبا زاهدی: در جامعه مردسالار ایران و تمامی جوامعی که تحت لوای مذهب، قوانین نوشته و اجرا میگردد، زن از وضعیتی به مراتب سختتر و نابرابرتر از مرد برخوردار است. من بعنوان یک زن ایرانی در این جامعه خودمرا در برابر کورانی از قوانین فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی نابرابر می‌بینم که به من نگاهی خصمانه و از بالا دارند. از پوشش من، رنگ و دوخت این پوشش تا اموری چون ازدواج، کار و میزان دستمزد و بازنشستگی و خلاصه تا آخرین لحظات زندگی، سنگینی نگاه پلید مذهب بر پیکر زندگی ام را حس میکنم. فرق نمیکند که زن در ایران زندگی کند یا سوئد، در پاکستان و افغانستان یا هلند و نروژ، در سایه منحوس و شوم این بلیه تاریخی، زن تحت ستم است. چیزی که هست

صدای انتقاد، زنانه است!

از صفحه ۶

یک تصویر خانوادگی مردسالارانه ربط دارد که به اسلام محدود نمیشود. عین این مشکلات و ناموس پرستی و نقش مردانه را در فرهنگ امریکای لاتین هم میشود پیدا کرد. ادواج اجباری در هندوستان خیلی زیاد است. همینطور در مورد ختنه زنان در آفریقا که از سوی مسلمانان و مسیحیان هر دو انجام میشود.

بنظر میرسد که مینا احدی و آیان هیرسی علی و همچنین نجلا کله ک، اسلام را بعنوان یک تفکر که جای هیچ تفسیر و تغییری در آن نیست، می‌شناسند و مطرح میکنند. در حالیکه اسلام بسته به دوره و شرایط تاریخی متفاوت بوده و گفتن اینکه اسلام بعنوان مذهبی که با مدرنیسم اروپا خوانایی ندارد و کلا باید محکوم شود، امر درستی نیست. جریانات مختلفی که اسلام را نوع دیگری می‌بینند و میخواهند آنرا رفرمیته کنند، باید مورد توجه قرار گیرند. موضعگیریهایی که در بالا به آن اشاره شد، به یک تنش شدید با اسلام منجر میشود که میشود جلویش را گرفت.

متماایل شد و به واشنگتن رفت. نجلا کله کله همچنین با کتاب خود به اسم "عروس بیگانه" به مباحثات زیادی دامن زد در یک نامه سرگشاده که در فوریه ۲۰۰۶ در "دی تسایت" علنی شد، ۶۰ نفر محقق انتگراسیون او را متهم میکنند، نتایج تحقیقات خود در باره ادغام در جامعه را تغییر داده و با تزویر این نتایج را عوض کرده است. او در تحقیقات به این نتیجه رسیده بود، که اسلام از سوی جوانان مهاجر، بعنوان یک نوع زندگی انتخاب شده در حالیکه در کنابش به این نتیجه میرسد که اسلام بزرگترین مانع ادغام مسلمانان در جامعه است. او در پاسخ محققین را متهم میکند که درگیر شدن با مشکلات واقعی را وظیفه خود نمیدانند و آنرا دور میزنند.

همیشه اسلام علت دردها نیست!

انتقاد به آیان هیرسی علی، نجلا کله ک و مینا احدی اینست که اسلام را علت العلیل دردهایی میدانند که این مشکلات فقط بخاطر مذهب نیست که وجود دارد. مخالفین میگویند که قتل ناموسی و ازدواج اجباری به

داشته باشند و خانه هایشان را عوض کنند. سیران آتیش وقتی در سال ۲۰۰۶ از طرف همسر یکی از موکلین خود کتک خورد، برای مدتی وکالت را کنار گذاشت و شغلش را کنار گذاشت. به دلیل خطر جانی و ناامنی در زندگی آیان هیرسی علی به امریکا رفت.

انتقاداتی که از هدف فراتر میروند.

آیان از هلند بیش از همه مورد حملات انتقادی بود. او گفت که پیغمبر اسلام، در مقایسه با اوضاع و شرایط فعلی و با با مقایسه با استانداردهای غربی یک مرد هوسباز و متجاوز به کودک بود. او در مورد رابطه پیغمبر با عایشه حرف میزند. که در موقع ازدواج ظاهراً فقط ۹ سال داشته است. فیلم مشترک او با "تیو وان گوگ" به اسم "تسلیم" که در آن چهار زن مسلمان از ستم‌هایی که به آنها روا داشته شده حرف میزنند. خصومت و نفرت زیادی را بسوی او جلب کرد و بالاخره به قتل کارگردان فیلم توسط یک جوان مسلمان رادیکال در نوامبر سال ۲۰۰۴ منجر شد. در سپتامبر ۲۰۰۶ او بسوی نیو کنسرواتیه‌های امریکایی موسسه اینترپرایز

همچنین آیان هیرسی علی تجارب متعددی بعنوان مترجم دادگاه و تجاربت بعنوان یک همکار یک موسسه وابسته به سوسیال دمکراتها، در سال ۲۰۰۲، بصورت یک کتاب نوشته است. "کارخانه پسر سازی" که در آن به تصویر زن در اسلام پرداخته و مورد نقد قرار داده است با استقبال زیادی روبرو شد. او از سوسیال دمکراتها فاصله گرفته و بسوی لیبرالهای راست رفته است. این حزب در جهت انتقادات او از اسلام امکانات بهتری برایش مهیا میکردند. در سال ۲۰۰۳ بعنوان نماینده این حزب به پارلمان رفت. او با انتقاد شدید تحت عنوان انتگراسیون از دست رفته میگفت به خاطر یک تورلانس غلط انتگراسیون انجام نمیگیرد.

نه فقط آیان هیرسی علی، بلکه بقیه این زنان نیز بخاطر فعالیت‌های خود توجه‌های زیادی و همچنین انتقادات زیادی را بخود جلب کرده اند. مباحثات علنی بحث برانگیز آنها، از طرف محققین (اسلام شناس) و اعتراضاتی از سوی مسلمانان و نفرت‌هایی از سوی رادیکالهای اسلامی جلب کرد. تهدیدات بعضاً اینها را بسوی این راند که محافظ

به سازمان علیه تبعیض پیوندید!

از هنگام تولد تا لحظه مرگ، نگاه پلید مذهب را بر زندگی ام احساس می کنم

زندگی است نه حجاب و آزادی پوشش. شما چی فکر می کنید؟

صبا زاهدی: به نظر من مشکل اصلی هر کسی (زن و مرد نمیشناسد) در جامعه سرمایه داری اجحاف و نابرابری است که بر او تحمیل میشود. در کشورهایی چون ایران، اسلام سیاسی شمشیر دو لبه و برنده ایست در دست سرمایه جهانی که بر توده های میلیونی مردم بتازد و ضربه وارد کند و در نتیجه به مطامع بیشتری دست یابد. من فکر نمیکنم نیروی قوی تر از جهل، زائیده مذهب باشد که آب به آسیاب سرمایه بریزد. در این وانفسا زنان مورد ستم بیشتری هستند. تامین وضع اقتصادی زندگی با تمام نابرابریهای اداری، دولتی او را به نوعی به عذاب انداخته و وضع پوشش او به نوعی دیگر.

بی حجاب: چرا فکر می کنید متشکل کردن جنبش زنان اینهمه مشکل است؟

صبا زاهدی: به نظر میرسد با اینهمه اجحاف و نابرابری که در جوامعی چون ایران بر زنان وارد میشود، آنها باید طلایه دار هر جنبشی علیه قوانین سرمایه داری باشند، اما اینطور نیست. شخصا فکر میکنم زن در حاله ای از ابهامات فرو رفته و به حقوق برحق خود آشنائی کامل ندارد. اینکه من به عنوان یک زن مورد ستم فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی قرار دارم، یک طرف قضیه است و اینکه باور داشته باشم که بعنوان یک انسان برابر (و نه جنس دوم) باید بجنگم و حقم را بدست بیاورم، اصلی است که الزاما مرا به صف اول مبارزه باید سوق دهد. این دیدگاه نابرابر حتی در گذشته کمونیسم ایران هم به نوعی بر زنان القا میشد، اما با رنگ و لعابهای روشنفکری پوشانده میگردد. در یکی دو دهه اخیر زنان کم اعتماد به نفس پیدا کرده و در صحنه های جهانی هم حق طلبی میکنند.

بی حجاب: چه ظرفیتهای می تواند زنان را دور هم جمع کند؟

صبا زاهدی: اکثریت زنان در ایران به ابتدائی ترین حقوق خود آشنائی ندارند. با تشکلهای علنی هم میشود آنها را به حقوق مسلم خود آشنا کرد و راه بدست آوردن آن را آموزش داد. اما اقلیت آگاه کار خودشان را انجام میدهند. حتی روشنگری در یک جمع کوچک هم میتواند اثر بخش باشد.

بی حجاب: درجه آگاهی و رشد زنان تا چه حد

بالا رفته است؟ فرهنگ اجتماعی مردم بطور کلی تا آنجا که به زنان بر می گردد چقدر تغییر کرده است؟

صبا زاهدی: هیچکس نمیتواند ارتقا فرهنگی و رشد آگاهی زنان را در دهه های اخیر نا دیده بگیرد. زنان از قدرت بیشتری در مقابله با جور و ستم حاکمه برخوردار شده اند. مدت کمی بعد از انقلاب 57، فاصله (اختلاف) بین مردم و دولت بروز کرد و همواره این فاصله بیشتر و بیشتر میشود. اعتراض مردم ایران همه در جهت سرنگونی

توانمندیهای خود با اعتماد به نفس بیشتری آگاهی پیدا کرده و در موقعیتهای کلیدی در ادارات و شرکتهای حضور پیدا کرده اند.

بی حجاب: اشکال متفاوت مقاومت زنان کدامند؟

صبا زاهدی: به نظر من زنان هر چه بیشتر میزان آگاهی خود را بالا ببرند، در کل مقاومت خود را در مقابل جاهلان اسلامی بهتر و سازنده تر خواهند کرد. زنان خود به این مهم آگاه شده اند و از این جهت درصد ورودیهای زنان به دانشگاه هر سال بیشتر شده



و ترند های کینه توزانه رژیم هم در جهت کم کردن سهمیه ورودی زنان نقش بر آب شده است.

بی حجاب: برخورد زنان و جامعه بطور کلی به کسانیکه مجبور به تن فروشی هستند چطور است؟

صبا زاهدی: تحت تاثیر کذب و نیرنگهای مذهبی هنوز قشری از جامعه تن فروشان را محکوم به سنگسار میدانند. اسلام سیاسی با چنگ و دندان در مقابل توده ها ایستاده و مانع روشن شدن عوامل و لقی اشاعه فساد، اعتیاد و دیگر ناهنجاریهای اجتماعی میشود.

بی حجاب: آیا فکر می کنید مردم با درک و سمپاتی بیشتری به این افراد برخورد می کنند؟

صبا زاهدی: با روشنگریهایی که در سطح جامعه توسط روشنفکران دانشگاهی، کارگران معترض و تمامی اقشار تحت ستم آگاه صورت میگردد، مردم با دیدی کاملاً متفاوت نسبت به گذشته به این افراد مینگرند.

بی حجاب: مسئله ناسیونالیسم و فرهنگ عظمت طلب ایرانی و تقدس سنتهای ایرانی چقدر در راه رهایی زن می توانند مانع باشند؟

صبا زاهدی: فکر نمیکنم ناسیونالیسم در میان اقشار مختلف زنان جایگاهی داشته باشد. زنان در پی رهایی خود از تمامی قید و بند های کریه و ظالمانه ای که اسلام پبای آنان بسته وارد گود سیاسی شده اند.

بی حجاب: آیا تعداد دختران و زنانی که تنها زندگی می کنند در ایران زیاد است؟ و چه سختیها و مشکلاتی برای ایندسته از زنان وجود دارد؟

صبا زاهدی: مشکلات اقتصادی - تورم - هزینه بالای زندگی - بیکاری بر سر راه جوانان، آنانرا از ازدواج ناامید کرده. همین مشکلات بعد از ازدواج باعث بروز اختلافات و مشاجرات خانوادگی شده، طلاقهای متعدد را در سطح جامعه رقم میزند. به نظر من ترس از آینده، بی ثباتی، وضعیت معیشتی، ناامیدی همه به هم دست داده جوانان را از ازدواج پری کرده است. بنظر من علت واقعی تنها ماندن زنان، نابسامانی های اقتصادی تا داشتن استقلال مالی و هویت مستقل. چون اینها میتواند بعد از ازدواج هم عملی باشد. تا آنجائی که من میدانم، جوانان، بخصوص در شهر های بزرگ برای کمک به وضعیت اقتصادی خانواده، زنان شاغل را برای ازدواج ترجیح میدهند. این مسئله در شهر های کوچک و روستاها که در عرصه های اجتماعی کمتر دیده میشوند، خود به خود منتفی است. تنها زندگی کردن را یک مبارزه منفی در جهت مقابله با دیدگاههای مردسالارانه میدانم. اما سختی ها و مشکلاتی که برای زنان تنها وجود دارد، با علل اصلی تنها زندگی کردن آنها مغایر است. اینجاست دیگر مشکلات اجتماعی - فرهنگی است که بحران آفرین است. در جامعه ای که با فرهنگ منقط و ضد انسانی اسلامی اداره میشود، یک زن تنها، یا منحرف است، یا در معرض آن قرار دارد. او مورد ستم جنسی قرار میگردد. در هر مطالبه ای با نگاه متفاوتی روبرو است. چون تنهاست، بی دفاع محسوب میشود. پس از برکت قوانین قرون وسطائی اسلام، آماج تیر های بلاست.

رژیم است که او را مسبب اول و آخر تمام مظالم میدانند. حزب کمونیست کارگری در ایران با دستور عملهایی ساده، حقیقی و قابل اجرا در یکی دو دهه اخیر رنگ تازه ای به مبارزات کارگری - دانشجویی و زنان بخشیده است. برای آموزش و تفهیم این جهان بینی رهایی بخش باید توده ها علیه اسلام سیاسی یک صدا شوند و پرچم سوسیالیسم را به اهتزاز در آورند.

بی حجاب: چقدر میزان اشتغال در میان زنان بالا رفته است؟

صبا زاهدی: مسلمان اشتغال زنان را در کوران جریانهای سیاسی - اجتماعی بیشتری قرار میدهد. از اینرو زنان اگر هم برای رفع احتیاجات اقتصادی، جذب بازار کار شده باشند، در حول و حوش تلاطمات اجتماعی - فرهنگی میزان توقعاتشان بالا میرود.

بی حجاب: آیا زنان زیادی را می توان در موقعیتهای کلیدی در ادارات و شرکتهای یافت؟

صبا زاهدی: مسلماً در کشاکش افت و خیزهای اجتماعی در ایران زنان هم به

من عمیقاً مبارزه زنان ایرانی علیه آپارتاید جنسی را تحسین می کنم

مصاحبه بی حجاب با سينا فوگت نویسنده زندگینامه مینا احدی



دیدیم. بعد از این من در باره مینا احدی و فعالیت‌هایش یک مقاله باری روزنامه آلمانی تاز نوشتم. در این دوره بود که از مینا پرسیدم آیا هیچوقت به فکر نوشتن داستان زندگیش افتاده است. تلاش او، قدرت‌ش، روحیه اش و داستان زندگیش چیزی بود که بنظر می رسید باید نوشته شود. و به این ترتیب ما برای اولین مصاحبه در اینمورد باهم همدیگر را ملاقات کردیم. فقط یکسال طول کشید و تنها کمپین اکس مسلم را لازم داشت تا یک ناشر پیدا شود و کتاب او را منتشر کند.

بی حجاب: بر اساس داستان زندگی مینا در مورد جنبش آزادی زن و تلاش مردم برای برابری در ایران چی فکر می کنید؟

سینا فوگت: من عمیقاً قدرت و تلاش بعضی از زنان ایران در تبعید و حتی در ایران را که برای حقوقشان و علیه آپارتاید جنسی مبارزه می کنند، تحسین می کنم. بعد از شنیدن داستان زندگی مینا من عمیقاً فکر می کنم که یک دولت سکولار در ایران لازم است که علیه دیکتاتوری مذهبی رژیم فعلی مبارزه کند. من به این نتیجه رسیده ام که در آلمان هم جدائی بیشتری بین دولت و کلیسای مسیحی برای رسیدن به برابری لازم است.

بی حجاب: چه چیزی شما را بر آن داشت که کتاب زندگینامه مینا احدی را بنویسید؟

سینا فوگت: من مینا را اول بار در اواخر سالهای 90 وقتی قرار بود با او در رابطه با تلاشش برای مبارزه برای حقوق زن تحت قوانین اسلامی برای یک تلویزیون آلمانی مصاحبه کنم، ملاقات کردم. او را دوباره در سال 2006 در روز جهانی زن، ۸ مارس وقتی او به همراه آیان هیرسی علی کمپینی علیه قتل‌های به اصطلاح ناموسی راه انداخته بود،

بی حجاب: آیا فکر می کنید داستان زندگی مینا ممکن است بتواند کمک کند به شکل دادن به یک جنبش همبستگی با مبارزات زنان و مردم ایران علیه آپارتاید جنسی؟

سینا فوگت: اگر داستان زندگی او نتواند کمک کند به شکل گرفتن چنین جنبشی، من واقعا نمی دانم چه چیز دیگری می تواند.

کتاب زندگی نامه مینا احدی در ماه فوریه به زبان آلمانی منتشر میشود!

من از مذهب رویگردانم!

چرا من برای آزادی و بر علیه اسلام مبارزه میکنم

مینا احدی با همکاری سینا فوگت

من از مذهب رویگردانم. مروری بر زندگی و فعالیت های پربار و بسیار آموزنده مینا احدی در ایران و در سطح بین المللی است. کتاب زندگینامه مینا احدی از جانب یک انتشاراتی معروف آلمانی به اسم "انتشارات هاینه" منتشر شده است. این کتاب از شرایط خانوادگی مینا احدی، فعالیت‌های سیاسی او در دوران انقلاب 1357 و نقش اسلام سیاسی در سرکوب خونین انقلاب مردم، از فعالیت مینا در کردستان و از اوضاع سیاسی ایران و جریان‌ات دخیل در سیاست ایران سخن میگوید.

مینا احدی در این کتاب از نقش منصور حکمت در تحولات عظیمی که در چپ ایران ایجاد کرد و از تاثیرات عمیق او در دامن زدن و شکل دادن به یک جنبش دفاع از انسانیت و حرمت انسان تفسیر و تحلیل خود را بیان کرده است. او در این کتاب از دوره‌های متحوالی که جامعه ایران از آن عبور کرده و از اوضاع سیاسی کنونی در ایران و جهان حرف میزند. این کتاب همچنین تصویری جانبدارانه و خواندنی از نقطه عطف‌های سیاست در ایران و نیروهای دخیل در آن است.

کتاب "من از مذهب رویگردانم" از ماه فوریه در کتابفروشی های آلمان و کشورهای آلمانی زبان قابل دسترس است.

این کتاب با یک جلسه کتابخوانی و کنفرانس علنی در شهر برلین در روز ۲۷ فوریه 2008 به عموم معرفی خواهد شد. از هم اکنون تعدادی از رسانه ها و خبرنگاران برای معرفی این کتاب با مینا احدی مصاحبه کرده و یا وقت مصاحبه را تعیین کرده و از اول فوریه این مصاحبه ها منتشر خواهند شد. از جمله رسانه هایی که تا کنون در این زمینه مصاحبه و گزارش تهیه کرده اند عبارتند از: Spiegel، نشریه هفتگی WDR، رادیو RBB، و تلویزیون آلمانی زبان میباشند. ما همینجا این اقدام با ارزش مینا احدی و همکاریاش را به همه انسانهای آزادیخواه و ضد مذهب تبریک میگوییم. قطعاً انتشار این کتاب بیش از پیش نقش و جایگاه جنبش ضد مذهبی و جنبش سکولاریسم نو را به جهانیان معرفی میکند.

سر دبیر نشریه بی حجاب:

سهیلا شریفی

sohailasharifi@yahoo.co.uk

دبیر علیه تبعیض:

مهین علیپور

سخنگویان علیه تبعیض:

مینا احدی

مریم نمازی

آدرس و شماره تلفن تماس:

nohejab@yahoo.com

0046707777313

تبعیض جنسی چیست؟ چگونه احساس می شود؟ چه باید کرد؟

خلاصه بحث مهناز ماسوری در پاتوق بحث و گفتگو در استگهلم



انتخاب همسر ندارد. حق طلاق ندارد. حق گرفتن بچه ها را بعد از طلاق ندارد. می خواهد ازدواج کند بحث مهریه، صیغه، شیربها و جهیزه به میان می آید. چون دختر نصف مرد ارزش دارد. ظروف، گاز و یخچال و مبل و فرش را به عنوان جهیزه با دختر به خانه مرد می فرستند. اگر این دختر حامله شد و خواست سقط جنین کند، بسته به جنسیت جنین باید دیه بپردازد. اگر دختر باشد، نصف دیه و اگر پسر باشد که باید دیه کامل بپردازد.

وقتی این دختر وارد دانشگاه شود. باید از دانشجوی پسر جدا شود. اجازه رابطه حتی درسی و علمی با هم دانشگاهی پسر خود را ندارد. در محیط کار باید رعایت اخلاق و عفاف جامعه را بکند، مثلاً حجاب اسلامی را باید رعایت کند. اگر اخلاق و عفت جامعه از طرف این دختر لکه دار شود، شلاق، زندان و سنگسار به میدان می آید.

در جامعه، در هر لحظه، مکان و شرایطی به این دختر تاکید می شود که "جنسیت" خاصی دارد و بر اساس آن باید حد و حدودش را رعایت کند. ملا حسنی امام جمعه ارومیه که البته همه می دانیم جوک و خنده مردم است. می گوید چرا زنانی که بعد از ۲۸ سال حکومت اسلامی به اسلام احترام نمی گذارند هنوز زنده هستند؟ آیا واقعاً اگر زنان، یعنی نصف جامعه را اعدام کنند، مشکل جامعه اسلامی حل می شود؟

چه کسانی از این تبعیض سود می برند؟ برای از بین بردن تبعیض جنسی چه باید کرد؟ شاهرودی رئیس قوه قضائیه جمهوری اسلامی که از چهره های مورد علاقه دوحردادپها و خانم شیرین عبادی است، خواهان اخراج تمام زنانی که در بخش بهداشت و آموزشی کار می کنند و قوانین اسلامی را رعایت نمی کنند، است.

بر طبق آمار خود جمهوری اسلامی، سالانه حدود ۲ میلیون زن در سراسر کشور بعلت عدم رعایت حجاب و سایر مقررات اسلامی دستگیر می شوند. این آمار به خودی خود نشان می دهد که نیروی عظیمی در مقابل جمهوری اسلامی و قوانین اسلامی آن ایستاده است و مقررات حجاب و قوانین اسلامی را به مسخره می گیرند.

زنان در ایران در يك جنگ هر روزه با قوانین اسلامی و سنتی حاکم بر جامعه شرکت دارند. این نبردی ناگزیر است. نبردی برای گرفتن حق سفر، شغل، ازدواج، حضانت کودک، تحصیل و ده ها حق دیگر است. در این نبرد، زنان اعدام و شکنجه و سنگسار هم می شوند. ابزار جمهوری اسلامی برای سرکوب زنان از وحشیانه ترین ابزار کشتار و شکنجه قرون وسطایی غیر انسانی تر است. اما این سرکوبها نتوانسته است، جنبش اعتراضی به تبعیض جنسی را خفه کند. این جنبش گاهی سر از بیمارستانها در شکل اعتراضات پرستاران، در می آورد. گاهی از آموزش و پرورش به شکل اعتراضات معلمان، بعضی وقتها از کارخانه ها به شکل اعتصاب و اعتراض کارگران و در همین هفته های اخیر شاهدیم که در جنبش اعتراضی دانشجویان ظاهر می شود. می خواهم بگویم که هر چه تبعیض و سرکوب شدید و گسترده بوده است، اعتراضات و مقاومتها هم گسترده و شدید بوده است.

آمار دستگیر شدگان جنبش اعتراضات مردم نشان می دهد که جنبش علیه تبعیض به مراتب بسیار گسترده تر شده است. جنبش علیه تبعیض در ذات خود سرنگونی جمهوری اسلامی و کل سرمایه را خواستار است. این جنبشی است که ۸ مارس را به حکومت اسلامی تحمیل کرده است و روز تولد فاطمه و روز کشف حجاب رضا خان را از صحنه بیرون رانده است. این جنبشی سازش ناپذیر است و سازش کاران را به هر شکل ممکن افشاء می کند. باید این جنبش را تقویت کرد و تا به آخر رفت. تنها با اتکاء به يك جنبش رادیکال، ماکزیمالیست، آزادیخواه و برابری طلب می تواند به جنگ تبعیض جنسی رفت.

جمعبندی بعد از بحثها، اظهار نظرها و سؤالات شرکت کنندگان:

تا زمانی که سرکوب و تبعیض هست. فقر و نابرابری هست. اعتراض و مبارزه برای رفع این تبعیض و نابرابری هم هست. این مبارزه ای است وسیع در سطح سیاسی، فرهنگی و

از سوئد که یکی از پیشرفته ترین کشورهای اروپایی است شروع می کنم. در همین کشور من و یک مرد با تحصیلات یک رشته مشترک مثلاً پرستاری اطاق عمل، متناقضی یک شغل می شویم و هر دو هم استخدام می شویم اما من بعد از مدتی متوجه می شوم که حقوق مرد هم رشته من از حقوق من بالاتر است. این موضوع به ویژه در شغل های تکنیکی و فنی و مدیریت، جا افتاده است و همه در این جامعه می دانند که این تبعیض وجود دارد و می توان آن را نشان داد. اصطلاحات کارهای مردانه و زنانه یا شغل های زنانه و مردانه، بسیار جا افتاده است و حساسیت زیادی در برابر این اصطلاحات ایجاد نمی شود. با هر کسی در این جامعه اروپایی شما از شغل های معلمی، بخصوص مهد کودک، پرستار، و یا تقریباً هر شغل سرویس دهی حرفی بزنید، فوراً گفته خواهد شد که این شغل ها زنانه است. اما وقتی از پلیس و آتش نشان و یا مهندس حرف بزنید، پای مردان به میان می آید. طبیعتاً بعضی از شغل ها به قد و وزن و نیروی فیزیکی آدمها ربط دارد. من می دانم که طبیعتاً میانگین قد و وزن زنان از میانگین مردان پائینتر است. اما این تبعیض را می شود در همه شغلها حس کرد.

و اما در کشورهای مانند ایران. از خانه که رشد دختر شروع می شود. دختر در بازیهای دخترانه، مدارس دخترانه و تکلیف های دخترانه در خانه، مانند جوراب برادرت را بشور! برای برادرت چای بپار! ظرفهارا بشور! آخه او پسر و بلد نیست، اما تو دختری و برای آینده ات هم خوب است.

وقتی همین دختر از خانه بیرون می آید. پوشش و لباسش باید سنتی و یا اسلامی باشد. در اتوبوس محل ویژه دارد. اگر بخواهد سفر برود باید از پدرش اجازه بگیرد. حق



بزرگداشت سالگرد مرگ فادیمه در شهر مالمو

۲۲ ژانویه منعکس شد. در این مطلب از جمله آمده است:

"۲۱ ژانویه ۲۰۰۲ فادیمه شاهیندال به دست پدرش به قتل میرسد. او می خواست که از حق خودش برای انتخاب شریک زندگی دفاع کند. فادیمه پیش از اینکه به قتل برسد به سمبلی از دخترانی که می خواهند از حق خود دفاع کنند و زندگیشان را خود شکل بدهند، بدل شده بود. پدر فادیمه به حبس ابد محکوم شد و این توجهات زیادی را به خود جلب کرد.

آماري نشان میدهد که در کشور سوئد ۱۰۰۰۰۰ دختر در شرایط غیر آزاد و زیر فشار بسر میبرند. می بایست جرات کرد و به سوالاتی که شاید "حساس" باشند پرداخت. مسئله بر سر فرهنگ نیست بلکه مسئله بر سر حقوق انسانی است. مراجع دولتی کار زیادی در طول این ۶ سال انجام ندادند. فریده می خواهد که مدارس مذهبی ممنوع شود و حجاب و داشتن هرگونه سمبل مذهبی در مدارس ممنوع شود. او همچنین می خواهد که پلیس و اداره امور اجتماعی آموزش بیشتری در این رابطه ببینند و دخترانی که مورد تهدید قرار دارند امکانات حفاظتی بهتری در اختیار آنان قرار گیرد. او می خواهد که موارد خودکشی دختران در خانواده های مرد سالار با دقت بیشتری مورد بازرسی قرار گیرد."

در زیر عکس فریده آرمان در نشریه اسکانسکا داگ بلادت نوشته شده: "فریده آرمان در این مراسم سخنرانی کرد و تاکید کرد که مسئله مربوط به فرهنگ نیست بلکه مربوط به حقوق انسانها است."

فریده آرمان

farideh_arman@yahoo.com

مراسمی در شهر مالمو طبق روال هر ساله در بزرگداشت یاد فادیمه و همه کسانی که در رابطه با ناموس پرستی به قتل رسیده اند روز دوشنبه ۲۱ ژانویه برگزار شد. این مراسم به فراخوان کمیته دفاع از حقوق زنان ایران - واحد مالمو و انجمن "پلا و فادیمه راهرکز فراموش نکن" و "ابتکار فمینیستی" برگزار شد.

در این مراسم در میدان اصلی شهر برگزار شد. در زیر عکس بزرگی از فادیمه یک قلب بزرگ با شمع درست شده بود که با گل تزئین شده بود. گل‌های میخک سفید که گل محبوب فادیمه بود با پخش آهنگی از گروه یوتو به اسم "یک زندگی" که این نیز ترانه مورد علاقه او بود به مراسم جلوه خاصی داده بود. تعدادی از شرکت کنندگان با در دست داشتن گل و یا شمع به این مراسم آمده بودند. شمع ها و گل ها و عکس زیبایی فادیمه توجه همه را به خود جلب میکرد.

در این مراسم فریده آرمان و آنیکا اریکسون سخنرانی کردند. آنیکا گفت که این بسیار مهم است که ما اجازه ندهیم که این واقعه به فراموشی سپرده شود. فریده در بخشی از صحبت اش به آمار تکان دهنده مرکز جرایم سوئد اشاره کرد که بر طبق آن از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۶ حداقل ۲۸۶ زن توسط نزدیکان مردشان در سوئد کشته شده اند که ۴۰ تا ۵۰ درصد از آنها قبلاً خشونت را که به آنها صورت گرفته را به اطلاع مراجع رسانده بودند. بخشی از سخنرانی فریده آرمان به همراه عکسی در روزنامه اسکانسکا داگ بلادت روز

اگر فرصت داشتم که دوباره کودکم را بزرگ کنم به جای آنکه انگشت اشاره ام را به سوی او بگیرم در کنارش انگشت هایم را در رنگ فرو می بردم و نقاشی می کردم.

اگر فرصت داشتم که دوباره کودکم را بزرگ کنم به جای غلط گیری به فکر ارتباط بیشتر می بودم.

بیشتر از آنکه به ساعت نگاه کنم به او نگاه می کردم. سعی می کردم دوباره ی او کمتر بدانم اما بیشتر به او توجه میکردم.

به جای اصول راه رفتن اصول پرواز کردن و دویدن را با او تمرین می کردم.

از جدی بازی کردن دست بر می داشتم و بازی را جدی می گرفتم.

در مزارع بیشتر می دویدم. به ستارگان بیشتر خیره می شدم.

بیشتر در آغوش اش می گرفتم و کمتر او را به زور می کشیدم.

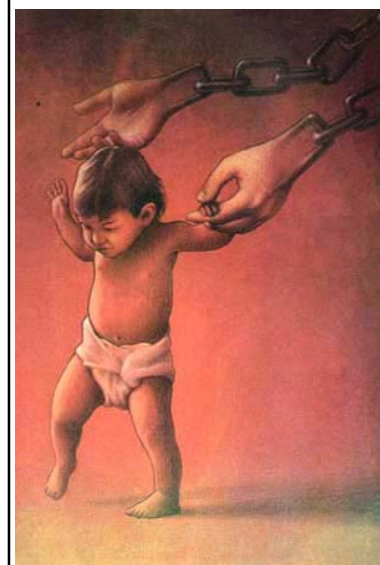
کمتر سخت می گرفتم و بیشتر او را تایید می کردم.

اول احترام به خود را در او می ساختم و

بعد خانه و کاشانه اش را.

و بیشتر از آنچه که عشق به قدرت را به او یاد دهم قدرت عشق را یادش می دادم.

دایان لومان



کنفرانسی بمناسبت صدمین سالگرد هشت مارس

آپارتاید جنسی در ایران را محکوم کنید!

های ناموسی و دکترای امور اجتماعی
"تبعیض در جهنم هم وجود دارد"

هاله رافع

مسئول کمیته دفاع از حقوق زنان در عراق
"وضعیت زنان بعد از جنگ در عراق"

تئاتر

"آپارتاید جنسی در دانشگاههای ایران
از: مهناز ماسوری عضو رهبری علیه

تبعیض

میز کتاب و نمایشگاه عکس از
وضعیت و مبارزات زنان در ایران

زمان: چهارشنبه 27 فوریه 2008
از ساعت 13.17

محل:

ABF – Sveavägen 41 Zeta salen

برگزارکنندگان:

علیه تبعیض، سازمان دفاع از حقوق زن و
کمیته بین الملل دفاع از حقوق زنان در ایران
سازمان حمایت کننده کنفرانس: همانیستها
در استکهلم

با حمایت ABF - Stockholm:

تماس:

mahin_alipour@yahoo.se

mobil: 0046 70 77 77 313

WWW.equal-rights-now.com

nohejab@yahoo.com

برای دفاع از حقوق جهانشمول زن!

برای دفاع از جنبش زنان در ایران!

سخنرانان:

مهین علیپور

دبیر سازمان "علیه تبعیض" و مسئول کمیته
دفاع از حقوق زنان در استکهلم
"آپارتاید جنسی را محکوم کنید"

آنکی الکن

نماینده پارلمان سوئد و عضو رهبری زنان
حزب مرکز
"چرا در سوئد چشمانشان را روی این مسائل
میبندند؟"

اینگوار اوهمن - اکلوند

نویسنده و مسئول همانیست ها در استکهلم
"با قدرت از دستاوردهای يك جامعه سکولار
برای دفاع از برابری حفاظت کنید."

لارش ویلکس

هنرمند
"آپارتاید جنسی در ایران بمشابه آپارتاید نژادی
در آفریقای جنوبی است."

نینا لکاندر

روزنامه نگار
"سراسیمگی جنبش زنان سوئدی در باره این
مسائل"

ماریا هاگبری

متخصص و مبتکر در تشکل علیه خشونت

به استقبال هشت مارس روز جهانی زن برویم!

علیه آپارتاید جنسی، برای منزوی کردن رژیم آپارتاید جنسی

18.30 تا 21.30 در
Conway Hall, London

سخنرانان:

مینا احدی سخنگوی شورای مرکزی
اکس مسلم آلمان، و سخنگوی سازمان

علیه تبعیض، سکولاریست سال
لوییز کالینگ، رئیس کمیته محلی

زنان یونیسیف و عضو شورای اجرائی آن
هوزان محمود سخنگوی سازمان آزادی

زن عراق

مریم نمازی سخنگوی سازمان اکس
مسلم انگلستان، سخنگوی سازمان

علیه تبعیض

جوان اسمیت عضو افتخاری جامعه
سکولارهای انگلستان، رمان نویس و

ستون نویس و فعال حقوق بشر
گرداننده: هانا استینسون: رییس

اومانیستهای انگلستان
ورود عموم آزاد و مجانی است. از

کمکهای مالی استقبال می شود
این سیمینار توسط سازمان اکس مسلم

انگلستان و سازمان علیه تبعیض
سازمان داده شده و جامعه سکولارهای

انگلستان، سازمان اومانیستهای
انگلستان و سازمان همجنسگرایان

انگلستان از آن حمایت کرده اند.

صدمین سالگرد هشت مارس
روز جهانی زن از راه میرسد. امسال
هشت مارس را در ایران و در دنیا به
روز ابراز نفرت به جداسازی زن و مرد و
تبعیض وحشیانه علیه زنان تبدیل
خواهیم کرد.

اعلام خواهیم کرد که رژیم
آپارتاید جنسی باید همچون حکومت
آپارتاید نژادی آفریقای جنوبی منزوی
و مطرود شود. اعلام خواهیم کرد که
میلیونها زن در ایران بر علیه
جداسازی، بر علیه آپارتاید در همه
زمینه ها مشغول مبارزه هستند و ما
در همه جا همبستگی و دفاع خود از
این مبارزات را اعلام خواهیم کرد.

سازمان علیه تبعیض، برای صدمین
سالگرد هشت مارس مجموعه برنامه
هایی را تدارک دیده است که آنها را به
اطلاع عموم خواهیم رساند. از همگان
دعوت میکنیم که در این برنامه ها
شرکت کنند.

آپارتاید جنسی، اسلام سیاسی و حقوق زنان

سیمیناری به مناسبت صدمین سالگرد
هشت مارس، روز جهانی زن

دوشنبه، 10 مارس 2008 از ساعت

هشت مارس روز جهانی زن به خیابان بیاید!

راهپیمایی و مارش علیه آپارتاید جنسی، از مرکز شهر برلین بسوی مزار رزا لوکزامبورگ

شروع از **Berlin, Frankfurter Tor** به طرف مزار یادبود رزا لوکزامبورگ در قبرستان **Friedrichsfelde**

زمان **شنبه ۸ مارس ۲۰۰۸** شروع تظاهرات ساعت **۱۲ ظهر**

در این روز با در دست داشتن شعارهایی علیه آپارتاید جنسی، علیه حجاب و علیه دخالت قوانین اسلامی در زندگی زنان، و برای اعلام نفرت از
رژیم آپارتاید جنسی به خیابان آمده و همبستگی خود با مبارزات زنان و مردم در ایران را اعلام کنیم.

ستاد برگزار کننده راهپیمایی هشت مارس در برلین:

محبوبه سایهر دی، شهناز موقب، نازنین برومند، مینا احدی، فرزانه درخشان

از شهرهای مختلف آلمان وسیله نقلیه برای رفتن به برلین سازمان داده میشود.

علیه تبعیض "سازمان دفاع از حقوق زن"

تلفن تماس: 00491729716227

**تلویزیون بی حجاب،
برنامه ای از علیه تبعیض،
سازمان دفاع از حقوق زن
را ببینید و آنرا به
دوستان و آشنایان خود
معرفی کنید**

تلویزیون بی حجاب را می توانید
روزهای سه شنبه ساعت 7.30 تا
8.30 شب روی ماهواره هاتبرد
۸- فرکانس 12303 مگاهرتز -
سیمبل ریت 27500 - اف ای سی
4/3 پولاریزاسیون عمودی ببینید.

sohailasharifi@yahoo.co.uk